

Agreement system in Bordekhoni dialect

Vol. 14, No. 2, Tome 74
pp. 563-590
May & June 2023

Allahkaram Ameli¹, Ali Rabi², Zahra Babasalari^{3*}, Mohammad Hossein Sharafzadeh⁴,
Akbar Molaei⁵

Abstract

One of the archaic language varieties is Bushehr s, Bordkhoni dialect about which there are few or no linguistic researches . Establishing an ergative case in this language variety is one of the significant aspects of studying this dialect. The main purpose of the research is the description of agreement system in Bordekhoni dialect. The data needed in gathered with Iranian language Atlas questionnaire and interview with 25 native speakers (Parmoon, 1385). The methodology is based on introducing and describing the function of past and present stems. The agreement system in this dialect is equivocal. The verb suffixes in intransitive verbs and **past+m** are liable to make an agreement between the subject and the verb. But non subject suffixes make the agreement with **verb+m**. Moreover we see that these stems are joined to different parts of a sentence. Bordekhoni dialect has two verb symbols that make an agreement between the logical subject and the verb. The theory of Dabirmoghadam is used in this study. In Bordkhoni dialect there is no subjective distinction between transitive and intransitive cases regarding word formation and to compensate for this shortcoming and maintain the ergative case , doubling clitics occurs.

Keywords: Agreement system in Bordekhoni dialect

Received: 20 October 2021
Received in revised form: 30 December 2021
Accepted: 19 January 2022

¹ Bushehr Islamic Azad University, Department of Linguistics, Bushehr Branch, Islamic Azad University, Bushehr, Iran.

² Assistant Professor, Department of English Translation, Islamic Azad University, South Tehran Branch, Tehran, Iran

³ Corresponding author, Department of Linguistics and Foreign Languages, Payam Noor University, Tehran, Iran.

⁴ Assistant Professor, Department of Linguistics, Marodasht Branch, Islamic Azad University, Marodasht, Iran.

⁵ Assistant Professor of English Department, Bushehr Branch, Farhangian University, Bushehr, Iran.

1. Introduction

Most of Iranian languages use agreement system in discrete ergative pattern. This ergative pattern is a function of the time that crystallizes itself in the verbs. In other words, the pattern of ergative in Iranian languages is tense_based. In clauses where the main verb is derived from present stem, we see a nominative accusative pattern, while in the sections of the main verb of the past stem, the ergative pattern is observed. Descriptively, the ergative model in Iranian languages reveals two general forms: in these languages category, the subject of a transitive clause has an ergative and the object has a subjective state. In this category of these languages, a transitive verb is in cross reference with the object. In other words, in these languages, the transitive verb agrees with the object, and this agreement is shown by subjective affixes on the verb. In some languages, there are signs of syntactic construction to differentiate the subject and the syntactic behavior of these elements. In this research, the mechanism of agreement in the verbs, «M+past» the agreement mechanism in the intransitive verbs «M+present,» are studied in Bushehr Bordkhoni dialect. Bushehr dialects are from the southwestern branch of new Iranian. The dialect of Bordkhoni is one of the obsolete linguistic varieties in Dayyer town, about it, linguistic research is very little. In this article, like other Iranian languages, ergativity is described which is discrete and bound to the past tense. Based on this, we want to answer the following questions: What is the mechanism of agreement clitic with the sentences containing «M+past» in Bordkhoni dialect? What is the mechanism of agreement in the sentences with intransitive verbs as well as the verb «M+present» in Bordkhoni dialect?

2. Literature Review

There has been a lot of researches on Iranian dialects, of which about 15 thesis are allocated to the dialects of Bushehr province, and it includes the dialects of Bushehri, Tangestani, Dashti, Dashtestani, Deylami and Genaveie.

Regarding Bordkhoni dialect, there is only one thesis entitled *The study of linguistic Bordkhoni dialect* (Ahmadi ,2009) and there is an article on phonetic system of Bordkhoni dialect (Hasiri ,2010). By regarding these researches, it is found that there are no researches on agreement system, so this research is a new work.

3. Methodology

In this research, two methods of field and library have been used. In the field method, based on the Iranian Languages Atlas Questionnaire, (Parmoon,2006) the face to face interviews were conducted with speakers . Around 25 people of Bordkhoni villagers participated in this research. Speakers voices recorded and then transcribed in accordance with international transcription letters (I.P.A). Finally, the agreement system of «M+past» and «M+present» are studied. By this method, the performance of the past stem and present stem are introduced and described.

4. Conclusion and results

Based on the evidence and analysis presented in this study, the following results were obtained. The agreement system in this dialect is split ergativity. In transitive verbs and also, the verbs "M+present", verbal suffixes do the agreement between verb and subject. In Bordkhoni dialect, for indicating agreement with subject_verb, "M+past" uses clitic mechanism. Agreement clitics with subject can attach to different constructions, including the subject itself in clause domain. More technically, Bordkhoni dialect follows the Wackernagel law in distribution agreement between clitics and subject as it predicts clitics in the second place. Based on the agreement system, the results of this study are in accordance with Dabirmoghadams' research on Delvari dialect.



دوماهنامه بین‌المللی

د ۱۴، ش ۲ (پیاپی ۷۴)، خرداد و تیر ۱۴۰۲، صص ۵۶۳-۵۹۰

مقاله پژوهشی

<http://dorl.net/dor/20.1001.1.23223081.1401.0.0.143.5>

مطابقه در گویش بردخونی

اله‌کرم عاملی^۱، علی ربیع^۲، زهرا باباسالاری^{۳*}، محمدحسین شرف‌زاده^۴، اکبر مولایی^۵

۱. دانشگاه آزاد اسلامی بوشهر، گروه زبان‌شناسی واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران.
۲. استادیار گروه مترجمی زبان انگلیسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب، تهران، ایران.
۳. گروه زبان‌شناسی و زبان‌های خارجی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.
۴. استادیار گروه زبان‌شناسی، واحد مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی، مرودشت، ایران.
۵. استادیار گروه زبان انگلیسی، واحد بوشهر، دانشگاه فرهنگیان، بوشهر، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۲۹

چکیده

یکی از گونه‌های زبانی مهجور، گویش بردخونی بوشهر است که پژوهش زبان‌شناختی درباره آن بسیار اندک و یا شاید غیرموجود باشد. برقراری الگوی کنایی در این گونه زبانی از جنبه‌های حائز اهمیت بررسی این گویش است. هدف از این پژوهش توصیف نظام مطابقه در گویش بردخونی است. داده‌های مورد نیاز تحقیق براساس پرسش‌نامه اطلس زبانی ایران (پرمون، ۱۳۸۵) و مصاحبه با گویشوران بومی جمع‌آوری شده است. روش کار به صورت معرفی و توصیف عملکرد ستاک‌های حال و گذشته است. نظام مطابقه در این گویش «دوگانه» است. در فعل‌های لازم و فعل‌های «م + حال»، پسوندهای فعلی مطابقه وظیفه مطابقت میان فعل و فاعل را بر عهده دارند، اما در فعل‌های «م + گذشته»، پی‌بست‌های غیرفاعلی صورت‌بندی مطابقت با فاعل جمله را انجام می‌دهند. این پی‌بست‌ها به سازه‌های مختلفی در جمله می‌پیوندند. گویش بردخونی دارای دو نوع علامت مطابقه فعلی است و در تمام موارد، فعل از نظر شخص و شمار با فاعل منطقی جمله مطابقت می‌کند. این پژوهش براساس نظریه رده‌شناسی به تحلیل داده‌ها پرداخته است. در گویش بردخونی تمایز فاعلی بند لازم و بند متعددی به لحاظ ساخت واژی وجود ندارد و برای جبران این نقیصه و حفظ حالت ارگتیو، مظاعف‌سازی واژه‌بستی صورت می‌گیرد.

واژه‌های کلیدی: پی‌بست ضمیری، دستگاه فعل، وند فعلی، گویش بردخونی، مطابقه.

۱. مقدمه

غالب زبان‌های ایرانی در نظام مطابقه/ حالت خود از الگوی گسسته کُنایی بهره می‌برند. این الگوی گسسته تابعی از زمان دستوری است که خود را در ستاک افعال متبلور می‌کند. به دیگر سخن، الگوی کُنایی در زبان‌های ایرانی زمان‌محور است؛ در بندهایی که فعل اصلی از ستاک حال مشتق شده باشد، شاهد الگوی فاعلی - مفعولی هستیم، در حالی که در بندهایی که فعل اصلی از ستاک گذشته تشکیل شده است، الگوی کُنایی مشاهده می‌شود. به‌لحاظ توصیفی، الگوی کُنایی در زبان‌های ایرانی خود را در دو شکل کلی نمایان می‌سازد: در دسته‌ای از این زبان‌ها، فاعل بند متعدی دارای حالت نمای کُنایی (غیرفاعلی) است و مفعول دارای حالت فاعلی (مستقیم) است. در این دسته از زبان‌ها، فعل متعدی با مفعول در ارجاع متقابل است؛ به بیانی دیگر، در این زبان‌ها فعل متعدی با مفعول مطابقه می‌کند و این مطابقه به‌وسیله وندهای فاعلی (شناسه‌ها) روی فعل نمایان است.

روابط نحوی میان اجزای جمله به شیوه‌های مختلفی نشان داده می‌شود. برخی زبان‌ها برای نمایش نقش نحوی از نشانه‌های ساخت‌واژه‌ها بهره می‌جویند. این نشانه‌ها معمولاً به‌صورت وند به کلمات افزوده می‌شوند و نقش نحوی آن‌ها را نشان می‌دهند. فاعل و مفعول از بنیادی‌ترین نقش‌های نحوی هستند که عمده زبان‌های دنیا آن‌ها را از هم متمایز می‌کنند. دو الگوی رایج برای نشان‌دار کردن این دو نقش الگوهای فاعلی - مفعولی و ارگتیو مطلق هستند. در الگوی فاعلی - مفعولی، فاعل بندهای لازم و متعدی به‌صورت یکسان و متفاوت از مفعول بندهای متعدی نشان‌دار می‌شوند. در الگوی ارگتیو، فاعل بند لازم از فاعل بند متعدی متمایز می‌شود. تمایز بین این دو نوع فاعل گاهی از طریق دو نشانه ساخت‌واژی متفاوت نشان داده می‌شود. در موارد دیگر، فاعل بند لازم و مفعول بند متعدی به‌صورت یکسان نشان‌دار شده و از فاعل بند متعدی که به صورتی دیگر نشان‌دار شده است متمایز می‌شود. در برخی زبان‌ها، نشانه‌های ساخت‌واژی برای تمایز فاعل و مفعول وجود ندارد و رفتار نحوی این عناصر باعث تمایز آن‌ها می‌شود.

در این تحقیق به سازوکار مطابقه در فعل‌های «م + گذشته» و به سازوکار مطابقه در فعل‌های لازم و فعل‌های «م + حال» در گویش بردخونی بوشهر پرداخته شده است.

می‌توان گفت که گویش‌های بوشهری از شاخه جنوب غربی زبان‌های ایرانی نو هستند. گویش بردخونی نیز به دلیل مجاورت جغرافیایی و شباهت‌هایی که به گویش دشتی استان بوشهر دارد مانند سایر گویش‌های استان بوشهر از جمله گویش‌های ایرانی نو و از شاخه جنوب غربی است. این گویش یکی از گونه‌های زبانی مهجور، در شهرستان دیر و استان بوشهر است که پژوهش زبان‌شناختی درباره آن بسیار اندک است. برقراری الگوی کنایی در جملات حاوی افعال متعدی در تقابل با افعال لازم در زمان ماضی، که خود بازمانده فارسی میانه است، در این گونه زبانی از جنبه‌های حائز اهمیت بررسی این گویش است. در این مقاله سعی بر آن است تا با تمرکز بر گویش بردخونی، افقی نو در بررسی‌های زبان‌شناختی این گویش به دست داده شود. جهت نیل به این هدف، در این مقاله به توصیف کنایی در این گونه زبانی، همانند سایر زبان‌های کنایی ایرانی، از نوع گسسته^۱ است که مقید به زمان گذشته افعال است و به پرسش‌های زیر پاسخ داده شد:

— سازوکار پیست‌های مطابقه در جمله‌های حاوی فعل‌های «م + گذشته» در گویش بردخونی چگونه است؟

— سازوکار پسوندهای مطابقه در جمله‌های دارای فعل‌های لازم و نیز فعل‌های «م + حال» در گویش بردخونی چگونه است؟

در این پژوهش از دو روش میدانی و کتابخانه‌ای استفاده شده است. ابزار و روش جمع‌آوری داده‌ها در این پژوهش به صورت میدانی و با استفاده از پرسش‌نامه اطلس زبانی ملی ایران (پرمون، ۱۳۸۵) و گفت‌وگو و مصاحبه حضوری با گویشوران است. در این روش، پژوهشگران، ابتدا طبق پرسش‌نامه اطلس زبانی ملی ایران با حدود ۲۵ نفر در روستاها مصاحبه انجام دادند، صدای گویشوران را ضبط کردند و سپس آن‌ها را طبق حروف آوانویسی بین‌المللی (I.P.A) آوانویسی کرده‌اند. در نهایت، نظام مطابقه «م + گذشته» و «م + حال» بررسی شد. روش کار به صورت معرفی و توصیف عملکرد ستاک‌های حال و گذشته است.

۲. پیشینه تحقیق

۲-۱. پیشینه تحقیقات درباره گویش‌شناسی استان بوشهر

تحقیقات و پژوهش‌های گویش‌شناسی از نخستین سال‌های قرن حاضر در ایران و توسط ایرانیان صورت گرفته است. چکیده پایان‌نامه‌های ایران (دکتری و کارشناسی ارشد) توسط مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران منتشر می‌شود و حاوی پایان‌نامه‌های بسیاری است که توسط دانشجویان دانشگاه‌ها نوشته شده است و تاکنون بیش از ۱۰۰۰ پایان‌نامه با عنوان گویش یا لهجه به رشته تحریر درآمده است و از بین آن‌ها حدود ۱۵ پایان‌نامه به گویش‌های استان بوشهر اختصاص دارد و شامل گویش‌های بوشهری، تنگستانی، دشتی، دشتستانی، دیلمی و گناوه ای است و درخصوص گویش بردخونی تنها یک پایان‌نامه با عنوان بررسی زبان‌شناختی گویش بردخونی (احمدی، ۱۳۸۸) و یک مقاله درمورد بررسی نظام آوایی گویش بردخونی (حصیری، ۱۳۸۹) وجود دارد. با بررسی این پژوهش‌ها مشخص می‌شود که بررسی نظام مطابقه در هیچ کدام از پژوهش‌ها به‌طور کامل وجود ندارد و از این نظر کار تازه و نو به‌شمار می‌رود.

۲-۲. پیشینه تحقیقات با موضوع نظام مطابقه

گیون^۲ (۲۰۰۴) با تبعیت از کنین و کامری^۳ (۱۹۷۷) رویکردی را به‌منظور توصیف چگونگی صورت‌بندی نقش‌های دستوری ارائه کرده است که به ویژگی‌های بازنمایی صوری^۴ موسوم است. این رویکرد بازنمایی صورت نقش‌های دستوری را در قالب سه ابزار زبانی توالی سازه‌ها، صرف و مطابقه مورد بررسی قرار می‌دهد. افزودن بر به‌کارگیری توالی سازه‌ها و حالت نمایی، برای بازنمایی نقش‌های دستوری برخی زبان‌های دنیا از ویژگی مطابقه (به‌عنوان سازوکار سوّم) نیز بهره می‌گیرند تا نقش‌های دستوری فاعل و مفعول را بازنمایی کنند. واژه بست‌های ضمیری^۵ که گاهی نیز به وندهای مطابقه موسوم هستند، به‌منظور بیان مطابقه، ویژگی‌هایی مانند شخص، شمار و جنس نقش‌های دستوری را نشان می‌دهند. میزان استفاده از هر کدام از این ابزارها بستگی به ماهیت صرفی و نحوی آن زبان دارد؛ برای مثال در زبان

فارسی از نشانه‌های مطابقت فاعلی نسبت به زبان انگلیسی بیشتر استفاده می‌شود. از طرف دیگر، در زبان انگلیسی توالی سازه‌ها نقش پررنگ‌تری در بازنمایی نقش‌های دستوری دارد (راسخ‌مهند، ۱۳۸۵). دبیرمقدم (۱۳۹۳، ص. ۷۳۷) نظام مطابقت را در چهار گویش کردی بانه، کردی سنندجی، کردی کلهری و کردی کرمانشاهی مورد بررسی قرار داده است. دو گویش نخست متعلق به گروه کردی مرکزی (سورانی) هستند و دو گویش بعدی متعلق به گروه کردی فنوی.

دبیرمقدم (۱۳۹۳، ص. ۷۳۷) نظام مطابقت در کردی بانه و کردی سنندج را از نوع دوگانۀ زمان‌محور^۶ می‌داند؛ در فعل‌های زمان حال، نظام مطابقت فاعلی/مفعولی و در فعل‌های زمان گذشته نظام غیرفاعلی/مفعولی دیده می‌شود.

هیگ^۷ (۲۰۰۸) در کتاب *تغییر/انطباق در زبان‌های ایرانی* موضوع حالت نمایی و مطابقت را در زبان‌های ایرانی مورد بررسی قرار داده است. وی ابتدا زبان فارسی باستان و فارسی میانه را بررسی می‌کند و کردی شمال و کردی مرکزی (سورانی سلیمانیه) را در دو فصل مجزا، از لحاظ ویژگی‌های صرفی نحوی بررسی کرده است. وی نظام مطابقت را در کردی شمال (کرمانجی)، کنایی^۸ می‌داند. این نظام کنایی تنها در سطح صرف رخ می‌دهد؛ بر این اساس، فاعل فعل لازم و مفعول با هم انطباق دارند و فاعل فعل متعدی گذشته نیز به صورت غیرمستقیم (کنایی) نمود می‌یابد. با این حال، هیگ (۲۰۰۸) از ساخت‌های نحوی مانند حذف به قرینه، نظارت بر انعکاسی‌ها، مجهول‌سازی و... شواهدی ارائه می‌کند که نشان می‌دهد که فاعل گذشته متعدی و فاعل لازم همانند فاعل حال متعدی در فرایندهای نحوی رفتار یکسانی در کردی کرمانجی دارند. او این گونه نتیجه می‌گیرد که ساخت کنایی در جملات متعدی گذشته در سطح نحو عملاً بی‌اعتبار است؛ به عبارت دیگر، کردی کرمانجی در سطح نحو مانند زبان‌های فاعلی - مفعولی رفتار می‌کند.

۳. چارچوب نظری تحقیق

چارچوب نظری در این پژوهش دسته‌بندی دبیرمقدم (۱۳۹۳) است. از آن جا که زبان‌های ایرانی به طور عام و بردخونی به طور خاص، تمایزات حالت نمایی^۹ بر روی گروه‌های اسمی را از

دست داده‌اند، بررسی و توصیف الگوی کنایی بردخونی با مطابقه^{۱۰} و تفکیک نظام ضمیری آن (وند و واژه‌بست) ممکن است. به‌لحاظ توصیفی، این تعمیم بازگوکننده تنوعی جالب در بازنمون الگوی کنایی در زبان‌های ایرانی است و این خود می‌تواند سرآغازی برای مطالعات توصیفی/رده‌شناختی در سطح تنوعات خرد این زبان‌ها باشد.

در این پژوهش و در مقام چارچوب نظری، پژوهش دبیرمقدم (۱۳۹۳) منبعی است که در تعیین نظام مطابقه در گویش بردخونی به آن‌ها استناد شده است. در آن پژوهش به دلیل اینکه داده‌های فراوانی را از گویش دلواری که بسیار نزدیک به گویش بردخونی است جمع‌آوری کرده است، منبع بسیار ارزشمندی برای پژوهشگران این تحقیق بوده است؛ دبیرمقدم (۱۳۹۳) بیان می‌کند که نظام مطابقه در این گویش‌ها دوگانه است. در فعل‌های لازم و فعل‌های «م+ حال»، پسوندهای فعلی مطابقه وظیفه مطابقت میان فعل و فاعل را برعهده دارند، اما در فعل‌های «م+ گذشته» پی‌بست‌های غیرفاعلی صورت‌بندی مطابقت با فاعل جمله را انجام می‌دهند.

۱-۳. مطابقه و حالت نمایی در الگوی کنایی

نظام کنایی در زبان‌های ایرانی تابع دو الگوی دستوری است. در الگوی نخست مطابقه و حالت نمایی، حالت نمایی بر روی سازه فاعل متجلی است و فعل در مطابقه کامل با مفعول است. در دسته‌ای از زبان‌های کنایی فعل متعدی با مفعول مطابقه می‌کند و این مطابقه توسط وند (شناسه) روی فعل تجلی می‌یابد. در این الگو حالت کنایی بر روی گروه اسمی فاعل نمایان است. در الگوی دوم مطابقه و حالت نمایی، فاعل توسط یک واژه‌بست غیرفاعلی مضاعف‌سازی می‌شود و مطابقه بین فعل و مفعول برقرار نیست. نبود مطابقه فعلی در الگوی دوم به این سبب است که واژه‌بست مضاعف‌ساز به‌صورت تداخل ناقص مانع ایجاد تطابق نحوی بین هسته زمان و مفعول می‌شود. داده‌ها نشان می‌دهد که در گویش بردخونی الگوی دوم برقرار است. از این رو به بررسی گویش مورد نظر با الگوی دوم پرداخته می‌شود.

با از میان رفتن تمایز ساخت‌واژی حالت نمایی فاعلی و غیرفاعلی در گویش‌هایی همچون بردخونی، نظام مطابقه/حالت این زبان‌ها برای حفظ نظام کنایی با چالش متمایز کردن فاعل متعدی (در تقابل با فاعل لازم و مفعول متعدی) روبه‌رو می‌شود. برای جبران این نقیصه در

نظام حالت نمایی، در نظام این زبان‌ها برای نشان دادن مطابقه با گروه اسمی فاعلی از وندها (شناسه‌ها) استفاده می‌شود، واژه‌بست‌ها در جایگاه‌های دستوری غیرفاعلی (همچون مفعول مستقیم، مفعول غیرمستقیم و مالکیت) ایفای نقش می‌کنند. بنابراین بهینه‌ترین گزینه برای جبران خلأ حالت نمایی بر روی فاعل متعدی (کُنایی)، مضاعف‌سازی آن با یک واژه‌بست غیرفاعلی است. استفاده از این گزینه به‌لحاظ اقتصاد درون - نظامی ساده‌ترین گزینه است.

در الگویی از نظام کُنایی، فاعل بند متعدی دارای شکل مستقیم و بی‌نشان است که به‌وسیله یک واژه‌بست غیرفاعلی (کُنایی) مضاعف‌سازی می‌شود. در این صورت از الگوی کُنایی، فعل در ارجاع متقابل با مفعول نیست، بلکه مطابقه بر روی فعل تقریباً همیشه به‌صورت پیش‌فرض سوم شخص مفرد است. این صورت از الگوی کُنایی را در نمونه‌ای از گویش بردخونی می‌توان مشاهده کرد:

مریم کتاب را خرید.

Maryam ketāb-e=xeri-Ø

۲-۳. عدم مطابقه فعل با مفعول: حضور واژه‌بست

نظام کُنایی در دسته‌ای از زبان‌های ایرانی همچون بردخونی صورتی متفاوت دارد. در الگویی از ساخت کُنایی در گویش بردخونی، فاعل بند متعدی توسط یک واژه‌بست غیرفاعلی مضاعف‌سازی می‌شود و فعل با مفعول مطابقه ندارد. نمونه‌های زیر بند متعدی گذشته را، در گویش بردخونی نشان می‌دهد.

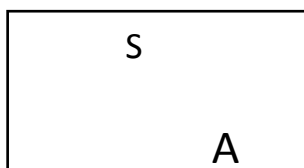
آن‌ها تو را دیدند. /unα=ʃu to di

در این الگو، فاعل بند متعدی در حالت بی‌نشان قرار دارد و هیچ‌گونه تمایز ساخت‌واژی را نشان نمی‌دهد. این فاعل به‌صورت اجباری با یک واژه‌بست غیرفاعلی مضاعف‌سازی می‌شود که در غالب موارد مفعول را به‌عنوان میزبان ساخت‌واژی خود انتخاب می‌کند. مفعول در این الگو در حالت فاعلی (بی‌نشان) قرار دارد، اما چنانچه از مثال پیداست با فعل وارد مطابقه نمی‌شود. به بیانی دیگر، آنجا که فاعل متعدی به‌وسیله واژه‌بست غیرفاعلی مضاعف‌سازی می‌شود، فعل با مفعول مطابقه نمی‌کند، بلکه همیشه دارای شناسه پیش‌فرض (سوم شخص

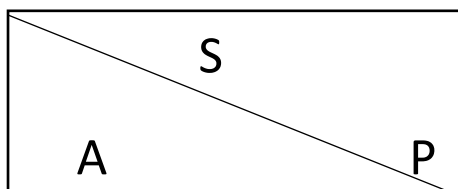
مفرد) است. البته باید خاطر نشان کرد که این صورت دستوری هنوز ویژگی‌های ساخت کُنایی را دارد؛ بدین مضمون که مفعول بند متعدی و فاعل بند لازم دارای رفتار مشابه هستند و این شباهت رفتاری در حالت فاعلی (بی‌نشان) بر روی این دو گروه اسمی هویداست. در طرفی دیگر، فاعل بند متعدی با مضاعف شدن توسط واژه‌بست غیرفاعلی خود را از آن دو متمایز می‌کند. نبود مطابقه فعلی در این الگو به این سبب است که واژه‌بست مضاعف‌ساز به صورت تداخل ناقص مانع ایجاد تطابق نحوی بین هسته زمان و مفعول می‌شود.

کامری (1978) پنج نظام محتمل از نظر منطقی را برای اختصاص حالت به S (فاعل فعل لازم)، A (فاعل فعل متعدی) و P (مفعول فعل متعدی) ارائه می‌دهد که در ادامه به‌طور خلاصه بیان می‌شود.

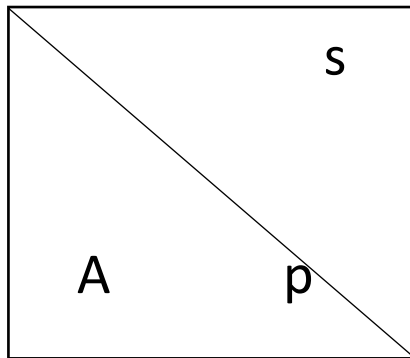
الف) خنثی: در این رده، برای هر سه جایگاه نحوی، حالت نمای یکسانی به کار برده می‌شود. این حالت نما ممکن است صفر باشد.



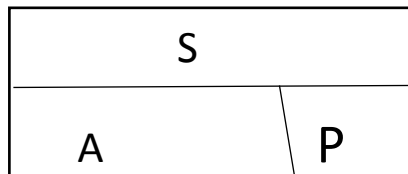
ب) فاعلی - مفعولی: در این رده، A و S حالت نمای یکسان (حالت فاعلی) دارند و حالت نمای دیگری برای P (حالت مفعولی) به کار می‌رود.



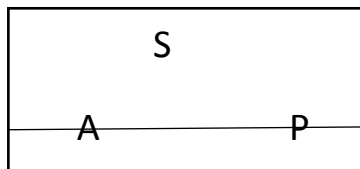
ج) کنایی - مطلق: در این رده S و P حالت نمای یکسان (حالت مطلق) دارند و حالت نمای دیگری برای A (حالت کنایی) به کار می‌رود.



د) سه بخشی: در این رده، سه حالت نمای متفاوت پیش‌بینی می‌شود که در میان زبان‌های جهان نسبتاً نادر است (Comrie, 1978).



ه) کامری که نامی برای این رده اختیار نکرده است، معتقد است که چنین نظامی در زبان‌های دنیا یافت نمی‌شود؛ با وجود این، به‌لحاظ نظری در این رده P, A حالت نمایی یکسانی دارند و S حالت نمایی متفاوتی دارد.



کامری جلوه دیگری از حالت‌نمایی در زبان را توضیح می‌دهد که همانا از طریق مطابقت فعل است و هر دو شیوه حالت‌نمایی را صرفی دانسته است (دبیرمقدم، ۱۳۹۳، ص. ۶۳).

۴. تحلیل داده‌ها

۴-۱. سازوکار مطابقه با فاعل در فعل‌های متعدی ساخته از ستاک گذشته

در گویش بردخونی بوشهر جمله‌های حاوی فعل «م + گذشته» برای نشان دادن مطابقت با فاعل پی‌بست استفاده می‌شود. میزبان این پی‌بست‌ها متنوع‌اند و درواقع شامل همهٔ سازه‌های حاضر در جمله و ازجمله خود فاعل نیز می‌شود. در مثال‌های زیر مشاهده می‌کنیم که فاعل جمله، میزبان پی‌بست مطابقه با خود شده است.

/una= ʃu genom-α va-tʃind/	۱. آن‌ها گندم‌ها را درو کردند.
چید - پیشوند فعلی نشانهٔ جمع - گندم واژه‌بست - آن‌ها	
/mo = m si una bondʒe da /	۲. من به آن‌ها یونجه دادم.
داد یونجه آن‌ها به واژه‌بست - من	
/hesæn = eʃ si ʃomα tʃe go/	۳. حسن به شما چی گفت؟
گفت چه شما به واژه‌بست - حسن	
/elu = ʃ ketav xeyli xond-e-n/	۴. علی کتاب خیلی خوانده است.
است - اسم مفعول - خواند خیلی کتاب واژه‌بست = علی	
/merd-i ke ʃomα=tu si mæɾjæm go/	۵. مردی که شما او را به مریم معرفی کردید.
گفت به مریم واژه‌بست = شما هسته نما - مردکه	

نیاز به گفتن ندارد که در مثال (۶)، فاعلِ بند موصولی میزبان پی‌بست مطابقه با فاعل (یعنی با خود) واقع شده است.

براساس مثال‌های مذکور، بی‌گمان می‌توان حکم کرد که در گویش بردخونی نخستین سازهٔ جمله، که در نمونه‌های بالا خود فاعل است، میزبانی پی‌بست مطابقه با فاعل را بر عهده می‌گیرد. به بیانی تخصصی‌تر، این زبان‌ها از قانون واکرناگل، که وقوع واژه‌بست را در جایگاه

دوم پیش بینی می‌کند، پیروی می‌نماید.

۲-۴. مفعول صریح جمله به‌عنوان میزبان

علاوه‌بر شق بالا درمورد توزیع پی‌بست‌های مطابقه در این گویش‌ها، مفعول صریح جمله نیز می‌تواند در مقام میزبان برای این پی‌بست‌ها ظاهر شود (مثال‌های ۶ تا ۸). گفتنی است که در همه این مثال‌ها، فاعل به‌صورت گروه اسمی یا ضمیر منفصل، در جمله حضور دارد.

/hesæn nu=ʃ si ke dɑ/	۶. حسن نان را به کی داد؟ داد کی به واژه‌بست-نان حسن
/mæɾjæm xo=eʃ bæðvæxt ke/	۷. مریم خودش را بدبخت کرد. کرد بدبخت واژه‌بست- واژه‌بست ملکی-خود مریم
/unɑ genomɑ=ʃu vɑ-tʃind/	۸. آن‌ها گندم را درو کردند. چید-پیشوند فعلی واژه‌بست-جمع-گندم آن‌ها

مفعول حرف اضافه‌ای نیز میزبان محتمل دیگری برای پی‌بست‌های مطابقه با فاعل است. در مثال ۹ و ۱۰ با وجود اینکه فاعل در جمله حضور دارد، پی‌بست مطابقه با فاعل به مفعول حرف اضافه‌ای پیوسته است.

/mo si unɑ-m go/	۹. من به آن‌ها گفتم. گفت واژه‌بست-آن‌ها به من
/mo ʃey devɑr=om tække dɑ/	۱۰. من به دیوار تکیه دادم. داد تکیه واژه‌بست-دیوار به من

۳-۴. میزبانی گروه حرف اضافه‌ای از پی‌بست‌ها

در مثال‌های ۱۱ تا ۱۳، گروه حرف اضافه‌ای اولین سازه حاضر در جمله است و میزبان پی‌بست مطابقه شده است. در این مثال‌ها، متمم حرف اضافه در جمله اول گروه اسمی (مینا) است اما در دیگر جمله‌ها، واژه‌بست غیرفاعلی یعنی ضمیر متصل است:

/si minɑ=t da / به مینا دادی؟ داد واژه‌بست-مینا به	۱۱. به مینا دادی؟
/si-ɸ=eɪ go / گفت واژه‌بست-واژه‌بست غیرفاعلی-به	۱۲. بهش گفت
/si-t=om go / گفت واژه‌بست-واژه‌بست غیرفاعلی-به	۱۳. بهش گفتم

در مثال‌های ۱۴ و ۱۵ نیز مفعول حرف اضافه‌ای میزبان پی‌بست مطابقه با فاعل است. تفاوت این مثال‌ها با مثال‌های ۱۱ تا ۱۳ در این است که هم فاعل در جمله حضور دارد و هم مفعول صریح، و البته مفعول صریح پس از مفعول حرف اضافه‌ای ظاهر شده است.

/hesæn si ɸomɑ=ɸ tɸe go / گفت چه واژه‌بست-شما به حسن	۱۴. حسن به شما چی گفت؟
/mo si unɑ=m bondʒe da / داد یونجه واژه‌بست-آنها به من	۱۵. من به آنها یونجه دادم.

۴-۴. سیال بودن پی‌بست‌های مطابقه با فاعل در گویش بردخونی

سیال بودن پی‌بست‌های مطابقه با فاعل در گویش بردخونی و پیامد ساخت اطلاعی آن صورت متناظر دیگری را درمورد هر یک از جمله‌ها فراوی گویشوران این زبان نهاده است. در این

صورت‌ها، فعل میزبان پی‌بست مطابقه با فاعل قرار می‌گیرد (مثال‌های ۱۶ و ۱۷).

/ hesæn si foma tʃe got=eʃ / واژه‌بست-گفت چه شما به حسن	۱۶. حسن به شما چی گفت؟
/ elu si mai got=eʃ / واژه‌بست-گفت این ما به علی	۱۷. علی به ما این را گفت.

۵-۴. میزبانی قید و فعل از پی‌بست‌ها

همانطور که در مثال ۱۸ مشاهده می‌شود، دو سازه باقی‌مانده از جمله‌های مورد بحث، یعنی قید و فعل، میزبانی پی‌بست مطابقه با فاعل را پذیرا شده‌اند.

/ elu ketav xeyli=xond-e-n / است-اسم مفعول-خواند واژه‌بست-خیلی کتاب علی	۱۸. علی کتاب خیلی خوانده است.
--	-------------------------------

۶-۴. اهمیت میزبانی قید در جمله

در مثال ۱۹ نیز شاهد هستیم که قید (در اینجا قید زمان) میزبان پی‌بست مطابقه با فاعل شده است. در این مثال، قید نخستین سازه حاضر در جمله است.

/ hemiʃe-ʃ mi-go / گفت-اخباری واژه‌بست-همیشه	۱۹. همیشه می گفت
---	------------------

«همیشه می گفت.» (واحدی لنگرودی و ممسنی، ۱۳۸۳، ص. ۷۸، مثال ۶۲).

۷-۴. میزبانی فعل در جایگاه نخستین

اکنون نمونه‌های بیشتری از میزبان واقع شدن فعل ارائه می‌شود. در مثال‌های ۲۰ و ۲۱، فعل

نخستین سازه حاضر در جمله است.

۲۰. دادی به مینا؟ / dɑ=t si minɑ/ مینا به واژه‌بست-داد	
۲۱. خریدم خانه را / xer-i=m xune/ خانه واژه‌بست-گذشته-خر	

۸-۴. میزبانی فعل مرکب از پی‌بست‌ها

گفتنی است که در جمله‌های بالا که فعل میزبان پی‌بست مطابقه با فاعل است، فعل‌ها همگی ساده هستند. در مثال ۲۲ فعل مرکب به‌کار رفته است. در این نمونه‌ها، جزء غیرفعلی، میزبان پی‌بست مطابقه با فاعل شده است.

۲۲. ما خودمان را سرزنش کردیم. /mɑ xo-mu sərzene]=emu ke/ کرد واژه‌بست-سرزنش واژه‌بست غیرفعلی-خود ما	
---	--

۹-۴. میزبانی فعل مرکب در خرده‌گفتمان

نکته در خور توجه دیگر مثال ۲۳ این است که فعل مرکب در آن‌ها، در مقام یک واحد زبانی، فعلی است لازم، اما همچون یک فعل «م + گذشته» از سازوکار پی‌بست برای صورت‌بندی مطابقه با فاعل استفاده می‌کند. علت این رفتار مربوط به همکرد آن فعل مرکب می‌شود. آن همکرد، یعنی zete «زدن»، در مقام فعل سنگین، فعلی متعدی است و به این اعتبار است که در ساخت حاوی آن، همچنان سازوکار مطابقه پی‌بستی به خدمت گرفته می‌شود.

خرده‌گفتمان ۲۳، حاوی فعل مرکب tilifun zete «تلفن زدن» و فعل ساده gote «گفتن» است که سازوکار مطابقه پی‌بستی را برای صورت‌بندی مطابقه با فاعل به خدمت گرفته‌اند. اگرچه فعل اول به‌مثابه یک سازه واحد، فعل لازم است، اما با توجه به همکرد آن در نقش فعل ساده، متعدی است از سازوکار پی‌بست برای مطابقت با فاعل بهره‌جسته است. پی‌بست مطابقه با فاعل در جزء غیرفعلی این فعل مرکب ظاهر شده است؛ اما فعل gote «گفتن» که در آغاز بند دوم در ساخت هم‌پایه قرار دارد، خود میزبان پی‌بست مطابقه با فاعل شده است.

۲۳. پولمان تمام شد، برای همین به آنها تلفن زدیم و گفتیم که برایمان پول بیاورید.	/ pil-emu toʔumavi si hemi si una آنها به این برای شد تمام واژه‌بست غیرفاعلی-پول tilifun=emu ze vo got=emu ke که واژه‌بست-گفت و زد واژه‌بست-تلفن si-mu pil b-ar-in / آور-امری پول واژه‌بست غیرفاعلی-برای
--	--

۱۰-۴. میزبانی پیشوند نفی در جمله

سازه دیگری که می‌تواند میزبان پی‌بست مطابقه با فاعل باشد پیشوند نفی است (مثال ۲۴).

۲۴. نخوردم	/ ne=m-xe / خورد-واژه‌بست-نفی
-------------------	---

۱۱-۴. پی‌بست‌های مطابقه با فاعل در گویش بردخونی

اکنون می‌توان فهرست پی‌بست‌های مطابقه با فاعل را در گویش بردخونی تدوین کرد. صیغگان ۲۵ و ۲۶ که تصریف زمان گذشته ساده و ماضی بعید فعل gote «گفتن» را فرا روی ما می‌نهند و صیغگان ۲۷ که تصریف زمان گذشته ساده فعل وجهی tonoste «توانستن» را نشان می‌دهد راهگشا هستند.

۲۵. گفتم	/ got=om / واژه‌بست - گفت
۲۶. گفتی	/ got=et / واژه‌بست - گفت
۲۷. گفت	/ got=e / واژه‌بست - گفت
۲۸. گفتیم	/ got=emu / واژه‌بست - گفت
۲۹. گفتید	/ got=etu / واژه‌بست - گفت
۳۰. گفتند	/ got=eju /

/ got-e bi=m / واژه‌بست-بود اسم مفعول-گفت	۳۱. گفته بودم
/ got-e bi=t / واژه‌بست-بود اسم مفعول-گفت	۳۲. گفته بودی
/ got-e bi=ʃ / واژه‌بست-بود اسم مفعول-گفت	۳۳. گفته بود
/ got-e bi=mu / واژه‌بست-بود اسم مفعول-گفت	۳۴. گفته بودیم
/ got-e bi=tu / واژه‌بست-بود اسم مفعول-گفت	۳۵. گفته بودید
/ got-e bi=ʃu / واژه‌بست-بود اسم مفعول-گفت	۳۶. گفته بودند

/ mi-tonoss=om / واژه‌بست-توانست-اخباری	۳۷. می‌توانستم
/ mi-tonoss=et / واژه‌بست-توانست-اخباری	۳۸. می‌توانستی
/ mi-tonoss=eʃ / واژه‌بست-توانست-اخباری	۳۹. می‌توانست
/ mi-tonoss=emu / واژه‌بست-توانست-اخباری	۴۰. می‌توانستیم
/ mi-tonoss=etu / واژه‌بست-توانست-اخباری	۴۱. می‌توانستید
/ mi-tonoss=eʃu / واژه‌بست-توانست-اخباری	۴۲. می‌توانستند

در جدول ۱ پی‌بست‌های مطابقه با فاعل آورده شده است.

جدول ۱: فهرست پی‌بست‌های مطابقه با فاعل

Table 1. The list of agreement between clitics and subject

شمار	شخص	مفرد	جمع
اول		$= om \sim m \sim \alpha m$	$= emu \sim mu$
دوم		$= et \sim t$	$= emu \sim tu$
سوم		$= e\int \sim \int$	$= e\int u \sim \int u$

۱۲-۴. میزبان ضمائر ملکی از پی‌بست‌ها

پی‌بست‌های مطابقه فاعلی (جدول ۱) ماهیتاً غیرفاعلی هستند. ضمیرهای انعکاسی که در آن‌ها پی‌بست‌های مزبور کارکرد ملکی دارند یکی از شواهد این مطلب‌اند. فهرست این ضمیرها در نمونه ۲۸ آورده شده است.

۴۳. خودم	$/xo = m/$ واژه‌بست ملکی - خود
۴۴. خودت	$/xo - t/$ واژه‌بست ملکی - خود
۴۵. خودش	$/xo - \int/$ واژه‌بست ملکی - خود
۴۶. خودمان	$/xo - mu/$ واژه‌بست ملکی - خود
۴۷. خودتان	$/xo - tu/$ واژه‌بست ملکی - خود
۴۸. خودشان	$/xo - \int u/$ واژه‌بست ملکی - خود

۱۳-۴. سازوکار مطابقه با فاعل در فعل با ستاک حال

سازوکار مطابقه با فاعل در فعل‌های لازم و متعددی ساخته شده با ستاک حال در جمله‌های حاوی فعل لازم، خواه آن فعل از ستاک حال ساخته شده باشد خواه از ستاک گذشته، مطابقت با فاعل به کمک پسوندهای مطابقه در فعل صورت‌بندی می‌شود (مثال‌های ۲۹ تا ۳۲).

/ mo m – ey – om / (اش م) آی – اخباری	۴۹. من می‌آیم.
/ mo ænd – om / من (اش م) – آمد	۵۰. من آمدم.
/ u merd – eku eme / آن (۳ ش م) آمد معرفه – مرد	۵۱. آن مرد آمد.
/ unɑ ænd – en / آن‌ها (۳ ش ج) آمد	۵۲. آن‌ها آمدند.

در جمله‌های دارای فعل «م + حال» نیز همین پسوندها، مطابقت فعل با فاعل را صورت‌بندی می‌کنند (مثال‌های ۵۳ تا ۵۶).

/ (mo) ketav – oku mi – xer – om / ۱ ش م – خر – اخباری معرفه – کتاب من	۵۳. من کتاب می‌خرم.
/ u merd – oku ketav – oku mi – xer – et / ۳ ش م – خر – اخباری معرفه – کتاب مرد آن	۵۴. آن مرد آن کتاب را می‌خرد.
/ (mɑ) u merd – α mivin – im / ۱ ش ج – بین – اخباری جمع – مرد آن ما	۵۵. ما آن مردان را می‌بینیم.
/ (unɑ) u ketav – α mi – vin – en / ۳ ش ج – بین اخباری جمع – کتاب آن‌ها	۵۶. آن‌ها آن کتاب‌ها را می‌بینند.
/ (mo) to mi – vin – om / ۱ ش م – بین – اخباری تو من	۵۷. من تو را می‌بینم.

این سه صیغه، زمان حال فعل متعددی و وجهی tonoste «توانستن» فعل متعددی porside «پرسیدن» و فعل متعددی سه موضوعی (یا سه ظرفیتی) daðe «دادن» را فرا روی ما نهند.

علت آوردن این سه صیغه در واقع اضافی و تکمیلی مطرح کردن و صراحت بخشی به این مشاهدات جالب است که فعل اول تصرف‌پذیری این فعل وجهی را در این زبان نشان می‌دهد، فعل دوم مفهوم «پرسیدن» را در قالب فعل مرکب صورت‌بندی کرده و ستاک حال فعل سوم – ye «ده» است که با ستاک گذشته‌اش که da «داد» است به کلی متمایز است.

/ mi - ten - om / ۱ ش م - توان - اخباری	۵۸. می‌توانم
/ mi - ten - i / ۲ ش م توان - اخباری	۵۹. می‌توانی
/ mi - ten - e (t) / ۳ ش م توان - اخباری	۶۰. می‌تواند
/ mi - ten - im / ۱ ش ج توان - اخباری	۶۱. می‌توانیم
/ mi - ten - itu / ۲ ش ج - توان - اخباری	۶۲. می‌توانید
/ mi - ten - en / ۳ ش ج - توان - اخباری	۶۳. می‌توانند
/ pors mi - kon - om / ۱ ش م کن - اخباری پرسش	۶۴. می‌پرسم
/ pors mi - kon - i / ۲ ش م کن - اخباری پرسش	۶۵. می‌پرسی
/ pors mi - ko - t / ۳ ش م کن - اخباری پرسش	۶۶. می‌پرسد

/ pors mi - kon - im / ۱ ش ج - کن - اخباری پرسش	۶۷. می‌پرسیم
/ pors mi - kon - itu / ۲ ش ج - کن - اخباری پرسش	۶۸. می‌پرسید
/ pors mi - kon - en / ۳ ش ج - کن - اخباری پرسش	۶۹. می‌پرسند
/mi - y - om / ۱ ش م - ده - اخباری	۷۰. می‌دهم
/ mi - ye - y / ۲ ش م - ده - اخباری	۷۱. می‌دهی
/ mi - ye - t / ۳ ش م - ده - اخباری	۷۲. می‌دهد
/ mi - ye - im / ۱ ش ج - ده - اخباری	۷۳. می‌دهیم
/ mi - ye - itu / ۲ ش ج - ده - اخباری	۷۴. می‌دهید
/ mi - ye - n / ۳ ش ج - ده - اخباری	۷۵. می‌دهند

جدول ۲. پسوندهای مطابقه فاعلی درگوش بردخونی

Table 2. agreement suffixes with subject in Bordkhoni dialect

شمار	شخص	مفرد	جمع
اول		-om ~ - m	- im
دوم		-i ~ - y	- itu ~ in
سوم		-et ~ - t ~ - ∅ ~ - e (t)	- en ~ - n

۵. نتیجه

آنچه از مثال‌ها و مباحث دو زیر بخش پیش آشکار شد این است که گویش بردخونی برای صورت‌بندی مطابقت با فاعل دو سازوکار را به خدمت گرفته است:

- سازوکار پی‌بست‌های مطابقت در جمله‌های حاوی فعل‌های «م + گذشته»:

- سازوکار پسوندهای مطابقت در جمله‌های دارای فعل‌های لازم و نیز فعل‌های «م + حال».

بر پایه شواهد و تحلیل‌هایی که در این پژوهش ارائه شدند نتایج ذیل حاصل می‌شود:

نظام مطابقت در این گویش «دوگانه» است. در فعل‌های لازم و فعل‌های «م + حال»، پسوندهای فعلی مطابقت و وظیفه مطابقت میان فعل و فاعل را بر عهده دارند. گویش بردخونی بوشهر برای نشان دادن مطابقت با فاعل فعل «م + گذشت» از سازوکار پی‌بست استفاده می‌کند. پی‌بست‌های مطابقت با فاعل در گستره بند به سازه‌های مختلف و از جمله خود فاعل می‌توانند بپیوندند؛ به بیانی فنی‌تر، گویش بردخونی بوشهر در توزیع پی‌بست‌های مطابقت با فاعل از قانون و اگرناگل پیروی می‌کند (وقوع واژه‌بست را در جایگاه دوم پیش بینی می‌کند، پیروی می‌نماید).

پرتو افکندن به منشأ پیدایش نظام مطابقت دوگانه و مشخصاً نظام مطابقت واژه‌بستی در زبان‌های ایرانی راهگشا و آگاهی‌بخش باشد.

در گویش بردخونی مانند تاتی‌گیلوانی، کردی مرکزی، سورانی، دشتی و لارستانی، تمایز فاعلی و مفعولی در نظام اسم‌ها و ضمائر از بین رفته است و ضمائر فقط ۶ حالت برای شخص و شمار دارند.

اما در فعل‌های «م + گذشته»، پی‌بست‌های غیرفاعلی صورت‌بندی مطابقت با فاعل جمله را انجام می‌دهند. این پی‌بست‌ها به سازه‌های مختلفی در جمله می‌پیوندند.

از جنبه نوآوری، نتایج این پژوهش همسو با تحقیقات رده‌شناسی دبیرمقدم هستند و از نظر مطابقت، گویش بردخونی با گویش دلواری بسیار شبیه به هم هستند.

سیال بودن پی‌بست‌های مطابقت با فاعل تبیین ساخت اطلاعی دارد. سازه میزبان پی‌بست مطابقت، مورد تأکید است و در واقع با انتخاب دیگری فهمیده می‌شود.

نکته آخر مرتبط با پی‌بست‌های مطابقت فاعلی این است که در تصریف مبتنی بر ستاک حال

فعل از پی‌بست‌های مطابقه برای صورت‌بندی مطابقت با فاعل استفاده می‌شود.

۶. پی‌نوشت‌ها

1. split
2. Given
3. split time sensitive
4. ergative system
5. Pronominal clitics
6. split time sense tive
7. haig
8. E. keenana & B comrie
9. case-marking
10. agreement

۷. منابع

- احمدی، ح. (۱۳۸۸). توصیف زبان‌شناختی گویش بردخونی در شهرستان دیر. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه پیام نور تهران.
- امید ی. ع. (۱۳۸۸). نظام آوایی گویش لکی دلفان در چارچوب واج‌شناسی زایشی. رساله کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی. دانشگاه علامه طباطبایی.
- پرمون، ی. (۱۳۸۵). طرح ملی اطلس زبانی ایران، کتابچه جامع تدوین اطلس. پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری. پژوهشکده زبان‌شناسی، کتبی‌ها و متون.
- حصیری، ف.، رزمجو، س.آ.، و رحیمیان، ج. (۱۳۸۹). بررسی نظام آوایی گویش بردخونی. همایش گویش‌های کویری. دانشگاه سمنان.
- دبیرمقدم، م. (۱۳۹۳). رده‌شناسی زبان‌های ایرانی. تهران: سمت.
- راسخ مهند، م. (۱۳۸۵). شیوه نشان دادن فاعل و مفعول در زبان فارسی. مجله زبان‌شناختی، ۲۱ (۲-۱)، ۸۵-۹۶.
- زارعی، م. (۱۳۸۸). بررسی آواشناختی اطلس گویش‌های شهرستان دیر. رساله کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی. دانشگاه علوم و تحقیقات فارس.

- کریمی، ی. (۱۳۹۲). تنوع ساختاری در نظام کنایی؛ نقطه تلاقی نظریه و رده‌شناسی. مجموعه مقالات نخستین هم‌اندیشی زبان‌های ایرانی. تهران.
- واحدی لنگرودی، م. م. و ممسنی، ش. (۱۳۸۳). بررسی پی‌بست‌های ضمیری در گویش دلواری. *گوشش‌شناسی ضمیمه نامه فرهنگستان*، جلد ۳، ۸۱-۶۴.

References:

- Ahmadi, H. (2009). *Description of Bordkhoni dialect in Dayyer County*. M.A. thesis, Payam Noor, Tehran. [In Persian].
- Bopp, F. (1816). *Über das conjugationsystem der sanskrits prache in vergleichang mitjenem der griechis chen, Lateinischen, persischen and germanischen sprache* Feankfurt am main: abderäische buchhandlung.
- Dabirmoghadam, M. (2002). *Typology of Iranian languages*. Tehran, Iran. [In Persian].
- Fub, E. (2005). *The Rise Agreement: A formal approach to the syntan and grammaticalization of verbal inflection*, John Benjamin publishing.
- Givon, T. (2004). *Syntax: Afumctional tipological Introduction*, Vol . I. Amesterdam : John Benjamins .
- Høig, Geoffry, L. J. (2008). *Alignment change in Tranian languages: A construction grammar approach*, Berlin : Moutonde Gruyter .
- Hasiri, F., Razmjoo, Sayyed A., & Rahimian, J. (2010). *The Study of Phonetic System in Bordkhoni Dialect*. International Conference of Iranian Desert Dialects. [In Persian].
- Karimi, Y. (2003). *Diversity in ergative system*, The intersection of theory and typology, A collection of first articles in Iranian Languages, Tehran. [In Persian].
- Keenan, E . & B. comrfie (1977). *Noun phrase Accessibility and universal grammar* . *linguistic inquiry*, 8 (1), 63 – 99 .
- Mashallah, Z. (2003). *Linguistic of Atlas of the dialects of Dayyer county*, M.A.

General Linguistics, sciences and research branch of Fars. [In Persian].

- Omidi, A. (2009). *The phonetic system of Dolfan Laki in phonology framework*. M.A thesis, General linguistics. Allameh Tabatebaie University. [In Persian].
- Parmoon, Y. (2006). *Iran National Atlas Plan, institute of cultural Heritage Handicrafts and Tourism, institute for linguistics, inscriptions and texts*. [In Persian].
- Rasekhmahand, M. (2001). The way to show the subject and the object in Persian languages, *Linguistics Journal*, 21,(2-1),85-96. [In Persian].
- Szemerényi, O. (1989). *Einführung in dievergleichende sprachwissenschaft*, Darmstadt: wissenschaftliche Buchæesells chaft.
- Vahedilangeroodi, M.M, Mamasani, Sh. (2003). *The study of pronoun clitics in Delvari dialect*, dialectology, vol 1, No,3,64_81. [In Persian].
- Watkins, C. (1969). *Indogermanische Grammatic 111.1: Geschichte der indogermanischem verbal flexion*, Hidberg : carlwinter.